

# چین و روسیه در آسیای مرکزی: زمینه‌های رقابت

محمدجواد امیدوارنیا<sup>۱</sup>

آسیای مرکزی به عنوان سرزمینهای وسیعی بین آسیا و اروپا و شرق و غرب آسیا، برای چین و روسیه حائز اهمیت ویژه خواهد بود و این دو قدرت در آینده، باز هم به عنوان دو رقیب عمده، حتی به صورتی بارزتر از دوران جنگ سرد، در این منطقه رویه‌رو خواهند بود. در چنین شرایطی، همکاری‌های اقتصادی در چارچوب «اگو» و «آسه‌آن» می‌تواند به افزایش توان کشورهای آسیای مرکزی در بازیابی هویت فرهنگی و تقویت شالوده استقلال سیاسی و اقتصادی آنها مؤثر باشد.

پایان جنگ سرد، بهبود مناسبات چین و روسیه، موافقت با عدم نشانه روی موشکهای طرفین به سوی یکدیگر و کاهش قابل ملاحظه نیروهای دو کشور در مرزها و نواحی نزدیک به آسیای مرکزی، همه شواهدی است که ادامه صلح و آرامش در این مناطق را نوید می‌دهد. خریدهای تسلیحاتی چین از روسیه شامل هواپیماهای «سو-۲۴»<sup>۲</sup> و «سو-۲۷»<sup>۳</sup> و «میگ-۲۹»<sup>۴</sup> و بسیاری دیگر از اقلام تکنولوژی پیشرفته نظامی مانند موشکهای زمین به هوا، سیستمهای هشداردهنده، سیستمهای هدایت‌کننده موشک و موتورهای بی‌صدای زیردریایی و غیره، توسعه مناسبات بازرگانی در مرزها و ملاقاتهای مکرر رهبران دو کشور نیز نشان‌دهنده همین روند است. بعضی از محققان غربی بر مبنای این ملاحظات و همچنین بررسی اوضاع داخلی چین و روسیه، حتی احتمال فروپاشی مجدد روسیه (در اثر ازدیاد حرکت‌های جداخواهی) و تجزیه چین (در نتیجه تشدید تفاوت‌های اقتصادی بین مناطق پیشرفته ساحلی و سرزمینهای

۱. آقای محمدجواد امیدوارنیا از پژوهشگران دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی و عضو هیأت تحریریه مجله می‌باشند.

3. SU-24

2. SU-24

4. MIG-29

عقب مانده شمال غربی) را مطرح ساخته و به این ترتیب، تجدید حضور دولتهای قدرتمند با ذائقه‌های ناسیونالیستی قوی و رقابت مجدد آنها در مناطق مختلف آسیای مرکزی را چندان محتمل نمی‌دانند.<sup>۱</sup>

هرچند که پدید آمدن چنین اوضاع و احوالی غیرممکن نیست و کشورهای همسایه این قدرتها، بویژه در آسیای مرکزی و مناطق همجوار آن باید آمادگی رویارویی با نتایج حاصل از آن، بویژه در زمینه وقوع بحرانهای محلی و منطقه‌ای را داشته باشند، اما تجارب تاریخی ملل آسیا که ممکن است گوشه‌هایی از آن برای بعضی از پژوهشگران غرب ناشناخته باشد، حکم می‌کند که احتمال قوی دیگری در نظر گرفته شود و محاسبات براساس آن به عمل آید. بر مبنای این احتمال، چین در اثر دستاوردهای چشمگیر اقتصادی در دهه اخیر و همچنین توفیق در انتقال تدریجی رهبری به نسلی تازه، به صورت کشوری منسجم و قدرتمند باقی خواهند ماند و روسیه در نتیجه تشدید احساسات ملی‌گرایی، بازسازی ارتش و حمایت ضمنی ژاپن و بعضی از قدرتهای غربی (به منظور تعدیل قدرت و نفوذ همسایگان آسیای مرکزی از جمله، چین)، به تجدید حیات و نیرویی تازه دست خواهد یافت.

در این صورت، آسیای مرکزی به عنوان سرزمینهای وسیعی بین آسیا و اروپا و شرق و غرب آسیا، برای چین و روسیه حائز اهمیت ویژه خواهد بود و این دو قدرت در آینده، باز هم به عنوان دو رقیب عمده، حتی به صورتی بارزتر از دوران جنگ سرد، در این منطقه روبه‌رو خواهند بود. رقابت چین و روسیه در آسیای مرکزی در وهله اول جنبه اقتصادی خواهد داشت که در مراحل بعد، ویژگی‌های امنیتی آن بارزتر خواهد شد.

## الف) زمینه‌های رقابت اقتصادی

منطقه آسیای مرکزی در دوران حیات شوروی برای «تبدیل»<sup>۲</sup> بیش از ۶۰ درصد مواد اولیه خود، به روسیه وابسته بود. در حدود ۶۰ درصد کالاهای صنعتی شوروی در جمهوری روسیه و فقط ۰/۵ تا ۱/۵ درصد آن در آسیای مرکزی ساخته می‌شد و قسمت اعظم بازرگانی این منطقه با روسیه، و درصد ناچیزی از آن در داخل آسیای مرکزی صورت می‌گرفت.

۱. برای مطالعه نمونه‌ای از این نظرات، ر.ک. به:

Boris Z. Rumer, «The Gathering Storms in Central Asia», Orbis, Winter 1993, p.89-105; The New Developments in Russia and the Evaluation of the World (Editorial), Eurasian Studies, Summer 1994, p.2-14.

از سال ۱۹۹۲ مناسبات اقتصادی و بازرگانی چین با ۵ کشور آسیای مرکزی، بویژه قزاقستان، گسترش بسیار یافته است. به موجب آمارهایی که چینی‌ها منتشر ساخته‌اند بازرگانی چین با این کشورها در سال ۱۹۹۲، ده‌برابر سال ۱۹۹۰ بوده و به ۴۶۵ میلیون دلار رسیده است.<sup>۱</sup> در آن سال مبادلات منطقه مرزی سین‌کیانگ با آسیای مرکزی بیشترین بخش رقم یاد شده (۳۰۰ میلیون دلار) را تشکیل می‌داده است.<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۳ بازرگانی چین و آسیای مرکزی به ۶۱۰ میلیون دلار یعنی ۳۱ درصد بیش از سال ۱۹۹۲ رسیده و در نیمه اول آن سال برای اولین بار، بازرگانی چین با قزاقستان از بازرگانی روسیه و سایر کشورهای آسیای مرکزی با این کشور، فزونی گرفت.

علاوه بر بازرگانی، همکاری در زمینه‌های اقتصادی و فنی بین چین و آسیای مرکزی نیز گسترش قابل توجه پیدا کرده است. در اوائل سال ۱۹۹۳ تعداد سرمایه‌گذاری‌های مشترک بین چین و آسیای مرکزی ۹۵ مورد بود، اما در اوائل سال ۱۹۹۴، تعداد آنها به ۴۵۳، یعنی قریب ۴ برابر سال پیش رسید. (۳۱۳ مورد آنها بین چین و قزاقستان، ۷۵ مورد بین چین و قرقیزستان و ۶۵ مورد بین چین و ازبکستان بوده است).

ارتباطات و حمل‌ونقل بین چین و آسیای مرکزی نیز به تندی توسعه می‌یابد. چین در سال ۱۹۹۲ راه آهن معروف به «پل دوم آسیا-اروپا» (در برابر راه آهن ماورای سیبری که پل اول به شمار می‌آید) را از «اورومچی»<sup>۳</sup> مرکز استان سین‌کیانگ، به گذرگاه مرزی «آلاتاو»<sup>۴</sup> در مرز قزاقستان متصل ساخت و برای اولین بار امکان دسترسی کشورهای آسیای مرکزی به سواحل آسیایی اقیانوس آرام را فراهم نمود.<sup>۵</sup> علاوه بر این دولت چین در حدود یک میلیارد دلار به احداث و تکمیل بزرگراههای شمالی - جنوبی و شرقی - غربی کشور اختصاص داده و هدف نوسازی جاده ابریشم کهن را تا سال ۲۰۱۰، برای تقویت مبادلات اقتصادی بویژه در شمال غربی کشور و در ارتباط با آسیای مرکزی دنبال می‌کند.<sup>۶</sup> گذرگاههای مرزی متعددی بین چین و آسیای مرکزی

1. Chang ching, «Brief Analysis on China's Relations with the five central Asian Nations», *Foreign Affairs Journal*, (Beijing), Sept. 1994, p.32-39.

2. *Executive Intelligence Review*, July 17 1992, p.35.

3. Urumqi

4. Alataw Pass

۵. برای مطالعه بیشتر راجع به «پل دوم آسیا-اروپا» رک. به:

Wu Naitao, «New Bridge Spans Europe and Asia», *Beijing Review*, Oct. 29- Nov.4, 1990, p.17-21.

۶. شون، «چین و آسیای مرکزی - بحال اصلاحات و دروازه‌های باز اقتصادی» (سحرانی در کنفرانس بین‌المللی چین و آسیای مرکزی توسعه - همکاری - ۱۴ تا ۱۵ اوت ۱۹۹۳، پکن)، به‌زبان چینی.

گشایش یافته و تا سال ۱۹۹۶ سیستم مخابرات پیشرفته اروپا-آسیا<sup>۱</sup> بین چین و آسیای مرکزی و اروپا برقرار می‌گردد.

سفر نخست‌وزیر چین، آقای «لی پنگ»<sup>۲</sup> به کشورهای قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان در آوریل ۱۹۹۴ و قراردادهای اقتصادی و بازرگانی جدیدی که بین طرفین به امضا رسیده حاکی از توسعه همکاری‌های جامع‌تر آنها در آینده است.

آنچه که به پیشرفت مناسبات اقتصادی و بازرگانی چین و آسیای مرکزی کمک می‌کند، به‌طور مستقیم با روسیه در ارتباط می‌باشد و مهمترین آنها عبارت است از:

۱. کشورهای آسیای مرکزی در نتیجه نظام اقتصادی که در دوران سلطه شوروی، بر آنها تحمیل شده بود، به واردات وابسته‌اند و چین در شرایط فعلی، یکی از مناسب‌ترین کشورها برای صدور کالاهای موردنیاز، به آنها است.

۲. بیشتر کشورهای آسیای مرکزی متکی به صدور مواد اولیه، مخصوصاً مواد معدنی، برای تأمین ارز مورد نیاز خود هستند. امکانات چین برای فراهم ساختن دسترسی این کشورها به بازارهای شرق آسیا، از عوامل توسعه روابط دوجانبه است.

۳. ازدیاد اهمیت نفت و گاز در اقتصاد بعضی از کشورهای آسیای مرکزی بویژه قزاقستان و ترکمنستان و کاهش اجازه صدور نفت آنها از خط لوله روسیه<sup>۳</sup> و قراردادهای اخیر چین با بعضی از این کشورها از جمله ترکمنستان و قزاقستان در زمینه مطالعه جدی امکانات لوله‌کشی نفت و گاز به شرق آسیا و ژاپن، در جهت نزدیکتر ساختن روابط چین و آسیای مرکزی است.

۴. استثمار شدید منابع اقتصادی آسیای مرکزی توسط شوروی در ۷۰ سال گذشته، خاطرات ناخوشایندی در مردم منطقه بر جای نهاده است. صدور بخش عمده‌ای از تولیدات معدنی قزاقستان، بیش از ۸۰ درصد پنبه و بیش از ۹۹ درصد طلای تولیدشده در ازبکستان به جمهوری روسیه در آن دوران<sup>۴</sup> و موارد بیشمار دیگر، موجب بدبینی مردم و رهبران کشورهای آسیای مرکزی به مناسبات اقتصادی با روسیه است. لذا اغلب این کشورها خواهان کسب استقلال اقتصادی هستند و چین عامل مهمی در این محاسبه، به‌شمار می‌آید.

1. Urasian optical fiber cable Communications system

2. Li Peng

۳. بنابه سخنرانی آقای «کاستف» مدیر مؤسسه مطالعات استراتژیک قزاقستان در دسامبر ۱۹۹۴ در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (تهران).

4. *Executive Intelligence Review*, July 17 1992, p.32.

۵. نکته مهم دیگر این است که در سالهای اخیر با اتخاذ سیاست دروازه‌های باز اقتصادی در چین، مصرف انرژی در این کشور به‌طور چشمگیر روبه ازدیاد نهاده است. از سال گذشته (۱۹۹۳) تولید نفت چین تنها ۱۵ درصد مصرف داخلی انرژی، و برق آبی و انرژی اتمی ۱۰ درصد آن را تأمین کرده و  $\frac{۲}{۳}$  منبع انرژی را ذغال سنگ تشکیل داده و چین از یک کشور صادرکننده نفت به واردکننده آن، تبدیل شده است. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که تولید نفت در چین به‌رغم تلاشهایی که جریان دارد، تا سال ۲۰۰۰ افزایش چشمگیری نخواهد یافت.<sup>۱</sup> یکی از نقاطی که چین برای تأمین نیازهای نفت و گاز خود به آن توجه یافته آسیای مرکزی است و نخست‌وزیر چین در سفر خود به منطقه، که مورد اشاره قرار گرفت، احداث خط لوله نفت آسیای مرکزی به چین را که هزینه‌ای در حدود ۲۰ میلیارد دلار دربر خواهد داشت «پروژه قرن» خوانده است.<sup>۲</sup>

توان اقتصادی چین در آسیای مرکزی و حتی در داخل روسیه، بعضی از محققان عالی‌رتبه روس را نیز نگران ساخته است. چنانکه «ولادیمیر میاسینکوف»<sup>۳</sup> رئیس مرکز علمی روسیه و چین در مصاحبه‌ای گفته است «در طول تاریخ روابطمان با چین، همیشه روسیه فعالتر از چین بود. تجار روسی سعی می‌کردند در خاک چین فعالیت کنند، اما اکنون مدل دیگری مشاهده می‌شود. ما تعداد خیلی بیشتر تجار چینی را نزد خود می‌پذیریم تا بالعکس» و «کشورمان برای یک مسئله دیگر آمادگی ندارد. برای اولین بار در طول تاریخ، چین از نظر توان عمومی، آهنگ رشد و شاخصهای اساسی اقتصادی خود از روسیه جلو افتاده است. این موضوعی قابل تفکر و بررسی است».<sup>۴</sup>

اینها همه شواهدی از اجتناب‌ناپذیر بودن رقابتهای اقتصادی آینده چین و روسیه در آسیای مرکزی است.

---

1. Richard L. Grant, «China and its Neighbours, Looking Towards the Twenty-First Century». *The Washington Quarterly*, Winter 1994, pp.59-69.

۲. برای بررسی بیشتر، رک. به:

Gerald Segal, «China Changes Shape: Regionalism and Foreign Policy», *ADELPHI Paper*.287 (March 1994), p.52-53.

3. Vladimir Miasinkov

۴. آندری وینوگراف، «مصاحبه با عضو وابسته آکادمی علوم روسیه، معاون مدیر انستیتوی خاور دور آکادمی علوم روسیه و رئیس مرکز علمی روسیه و چین»، سوودنیا، ۳ سپتامبر ۱۹۹۴، ص ۱.

**ب) زمینه‌های امنیتی**

در سالهای اخیر توجه به نیروهای مسلح در چین جایگاه ویژه داشته و موجبات نگرانی اغلب همسایگان آن کشور را فراهم ساخته است. در تئوری نظامی جدید چین آمادگی در برابر «بحرانهای محلی و منطقه‌ای» و ایجاد «نیروی واکنش سریع» برای مقابله با آن، مورد توجه قرار دارد. اخباری حاکی است که از این نیروها برای فرو نشاندن درگیری‌های قومی و دینی در سین‌کیانگ جنوبی (شهرهای کاشغر و ختن و یارغند) در سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ استفاده شده و یکی از اهداف عمده آن رویارویی با مسائل مشابه در منطقه است. بی‌تردید، سیاست فعال روسیه در قبال مسائل گرجستان، آذربایجان، مولداوی، بوسنی و هرزگوین و بویژه چین، نشان‌دهنده توجه روسیه به «منافع اساسی» خود در مرزهای شوروی سابق، و هشدار برای چین به منظور آمادگی در برابر رویدادهای احتمالی در نزدیکی مرزهایش با آسیای مرکزی است. سیاست نظامی روسیه نیز بر مبنای موافقتنامه دسامبر ۱۹۹۱ تا حدودی نشان‌دهنده نگرانی‌هایی در باب آسیای مرکزی و ماورای قفقاز است. در این موافقتنامه خطر بالقوه پشتیبانی نیروهای خارجی برای ازم پاشیدن اتحاد کشورهای مشترک‌المنافع مستقل، به‌دست آوردن توان نظامی بیشتر از حد نیازهای دفاعی توسط بعضی از کشورها و گسترش سلاحهای هسته‌ای و کشتار دستجمعی دیگر، ازدیاد قدرت زمینی، دریایی، هوایی بعضی از کشورهای هم‌مرز مشترک‌المنافع به‌عنوان «بزرگترین تهدید علیه امنیت منطقه» تلقی گردیده است.<sup>۱</sup>

پس از آنکه در اجلاس رؤسای مشترک‌المنافع مستقل در ۱۴ ژوئیه ۱۹۹۲، بعضی از اعضا با امضای «قرارداد راجع به سلاحهای متعارف» مخالفت کردند. روسیه نیز به تشکیل نیروهای مخصوص به خود «در حد یک قدرت بزرگ» پرداخت. در تئوری نظامی جدید روسیه «تضادهای اقتصادی، سرزمینی، مذهبی و قومی» جایگاه عمده دارد و در سند «مفهوم سیاست خارجی فدراسیون روسیه» که در ژانویه ۱۹۹۳ انتشار یافت، درباره آسیای مرکزی به لزوم محافظت «مرزهای مشترک‌المنافع مستقل» (شوروی سابق) اشاره گردیده است.

نظامی‌گرایی مجدد روسیه مورد توجه ناظران چینی است و می‌نویسند: با اینکه روسیه از نظر اقتصادی زیر فشار قرار دارد، کاهش بودجه «پژوهش و پیشبرد»<sup>۲</sup> آن درباره سلاحهای جدید، چندان زیاد نیست و صنایع نظامی روسیه در سال ۱۹۹۳ بودجه‌ای به‌میزان ده درصد

1. A.Raevsky and I.N.Vorob, ev, «Russian Approaches to peacekeeping operations» U.N.Institute for Disarmament Research (UNIDIR), No.28, (1994), p.143.

2. Research and Development (R&D)

بیش از ۱۹۹۲ دریافت کرده است.<sup>۱</sup> کارشناسان چینی بزرگترین تهدیدهای احتمالی علیه خود در آسیای مرکزی را توجه مجدد روسیه به منابع اقتصادی و معدنی در آسیای مرکزی، حمایت از جدایی خواهی روسهای ساکن قزاقستان و استقلال طلبی اویغورها در دو سوی مرزهای چین و قزاقستان، در شرایط تجدید مخاصمات، می‌دانند. نگرانی چینی‌ها از تساهل غرب در برابر اقدامات نظامی روسیه در مرزهای شوروی سابق، ادامه پشتیبانی ژاپن از روسیه، به‌رغم لاینحل ماندن مسئله جزایر شمالی ژاپن و تجدید تحویل سلاحهای پیشرفته از طرف روسیه به هند، سرچشمه می‌گیرد. بعضی از تحلیل‌های غربی نیز این نگرانی را ازدیاد می‌بخشد. در این تحلیلها به تجدید قدرت روسیه تا اوایل قرن آینده و توسل به سیاستهای توسعه طلبانه بویژه در سرزمینهای روس‌نشین در آسیای مرکزی اشاره می‌شود.<sup>۲</sup>

متقابلاً روسها نیز نگرانی‌هایی از بابت ازدیاد حضور چین در آسیای مرکزی دارند. علاوه بر جنبه اقتصادی که مورد اشاره قرار گرفت، شرکت نظامیان چینی در طرحهای زیربنایی مانند فرودگاه و راه‌سازی در قزاقستان<sup>۳</sup> و افزایش تعداد چینی‌های مهاجر به آسیای مرکزی و روسیه، که شمار آنها تا یک میلیون نفر هم ذکر شده است، از نکات مورد گفتگو در سفر آقای «چرنومیردین» نخست‌وزیر روسیه به چین در ماه مه ۱۹۹۴، بوده است.

رسانه‌های روسی زبان مسکو در ماههای اخیر با انتشار مقاله‌های متعدد این نگرانی روزافزون را آشکار ساخته و ازدیاد حضور چین در آسیای مرکزی، بویژه قزاقستان را مورد حمله قرار داده‌اند. بیشتر این حملات از طرف محافل روس، نه قزاق، صورت گرفته است.<sup>۴</sup>

## نتیجه

رقابت چین و روسیه در آسیای مرکزی و بهره‌برداری غرب از آن، در آینده‌ای نه‌چندان

۱. برای بررسی بیشتر ر.ک. به: مجله «ارو» (ژانویه شرقی و آسیای مرکزی) (آکادمی علوم اجتماعی چین) شماره‌های ۲ و ۵ (۱۹۹۳)، ص ۱۷۰۸ و ۱۸، به‌زبان چینی.

۲. برای ملاحظه نمونه‌ای از این نظرات ر.ک. به:

Henry A. Kissinger, «The New Russian Question», *Newsweek*, (Feb. 10, 1992), pp. 10-11; S. Enders Wimbush, «Russia After Russia», *Eurasian Studies*, No. 2, «Summer 1994», p. 53-61. Renee De Nevers, «Russia's Strategic Renovation», *ADELPHI Paper*, 289 (July 1994), pp. 61-63.

۳. این نظامیان بیشتر از منطقه نظامی «لانچو» (Lanzhou) در استان «گانسو» (Gansu) اعزام می‌شوند.

۴. برای بررسی بیشتر، ر.ک. به:

Ross H. Munro, «China's Waxing Spheres of Influence», *ORBIS*, (Fall 1994), p. 585-605.

دور، شکل آشکارتر خواهد یافت. به احتمال زیاد، چین با توجه به زیربنای اقتصادی و بنیه قوی نظامی خود در اوایل قرن بیست و یکم، از موقعیتی بهتر از روسیه برای نفوذ در منطقه برخوردار خواهد بود، اما بر مبنای روش احتیاط‌آمیز تاریخی، ضمن حضور، از چشمگیر ساختن آن احتراز خواهد کرد. روسیه براساس خشونت‌ی که به دفعات در تاریخ حیات روسیه تزاری و شوروی نشان داده شده است، و همچنین به منظور جبران لطمه‌ای که در اثر فروپاشی شوروی به غرور مردم روس وارد آمده است، بیش از چین آمادگی توسل به روشهای آشکار برای اعمال سیاست در منطقه را دارد.

کشورهای آسیای مرکزی به‌رغم وابستگی‌های اقتصادی و اداری و امنیتی که هنوز به روسیه دارند، با توجه به تجارب گذشته و نگرش به موفقیت‌های اقتصادی چین در دهه اخیر، مایل به کسب و حفظ استقلال در برابر روسیه و بهره‌گیری از تجربه چین در زمینه «اقتصاد بازار آزاد» هستند.

آنچه در این شرایط اهمیت می‌یابد نقش آسیای غربی و جنوبی، بویژه ایران، ترکیه، هند و پاکستان است. این کشورها می‌توانند از طریق گسترش همکاری با یکدیگر، در ایجاد موازنه در منطقه مؤثر واقع شوند. مرتبط ساختن شبکه‌های زمینی راه ابریشم از آسیای مرکزی تا خلیج فارس و اقیانوس هند در جنوب و غرب، و تا چین و سواحل اقیانوس آرام در شمال و شرق، و سپس متصل ساختن راههای دریایی از خلیج فارس و اقیانوس هند به بنادر «کانتون»، «شانگهای» و «لیان یونگ‌آنگ»<sup>۱</sup> در چین، از طریق تنگه مالاکا، چرخه‌ای از مبادله مواد اولیه، کالا و تکنولوژی را بین شرق و غرب و جنوب آسیا پدید خواهد آورد که در آن همکاری «اکو» و «آسه‌آن» جایگاه ویژه خواهد داشت و تحقق آن به استقلال اقتصادی و سیاسی و همچنین بازیابی هویت فرهنگی مردم آسیای مرکزی کمک خواهد کرد.

۱. Lianyungang، بندری در شمال شانگهای، نقطه‌ای که راه آهن معروف به «پل دوم آسیا-اروپا»، به ساحل دریای شرقی چین می‌رسد. این بندر به وسیله خطوط منظم کشتیرانی با ژاپن، هنگ‌کنگ، کره جنوبی و کشورهای جنوب شرقی آسیا مرتبط است.